

درآمدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی معاصر

دکتر محمد رضا دهشیری
عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

درآمدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی معاصر

دکتر محمدرضا دهشیری

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طرح جلد: زهرا صفوی

صفحه‌آرا: سمیه شاه‌علیزاده

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۲۰۰

چاپ دیجیتال: نسیم

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۹۹۶۰۲۹۵

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: www.ises.ac.ir

پست الکترونیکی: info@ises.ac.ir

کلیه آثار منتشره این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: دهشیری، محمدرضا، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی معاصر / محمدرضا دهشیری

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-6996-29-5؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۵] - ۲۷۵.

موضوع: روابط بین‌المللی و فرهنگ

موضوع: دیپلماسی فرهنگی

موضوع: روابط فرهنگی

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹۴/۵۹۱/۱۲۵۱ ZJ

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۷۲۶۶

فهرست

صفحه	تیتر
۱	مقدمه
۱۵	گفتار ۱: تجزیه و تحلیل محیط بین الملل از منظر فرهنگی - اجتماعی
۳۵	گفتار ۲: تحولات دیپلماسی فرهنگی در عصر جهانی شدن
۵۳	گفتار ۳: سازمان های فرهنگی بین المللی و توسعه فرهنگ صلح
۸۱	گفتار ۴: اسلام گرایی و اسلام هراسی در روابط فرهنگی بین المللی
۹۹	گفتار ۵: بیداری معاصر و روندهای فرهنگی بین المللی
۱۵۷	گفتار ۶: گفت و گوی میان فرهنگی و بین الادیانی
۱۹۳	گفتار ۷: چند فرهنگی گرایی و یک جانبه گرایی فرهنگی در جهان امروز
۲۱۷	گفتار ۸: آینده پژوهی روندهای فرهنگی بین المللی
۲۳۵	پیموست: مفاهیم ارتباطات میان فرهنگی
۲۶۵	منابع و مآخذ

دیباچه پژوهشکده

فرهنگ در معنای عام خود بیانگر شیوه زندگی اعضای یک جامعه است، و در معنایی خاص، نظامی معنایی است که در دل تاریخ شکل گرفته و به امروز رسیده است. در این معنا، فرهنگ یک امر ارتباطی به شمار می‌رود و فرهنگ و ارتباطات دو موضوع عمیقاً به هم پیوسته هستند؛ فرهنگ از خلال ارتباطات شکل می‌گیرد و ارتباطات در بستر فرهنگی و براساس رویه‌های ممکن در یک فرهنگ، تعریف و برقرار می‌شود. در دنیای جدید، دو تحول مهم رخ داده که پیامدهای بسیاری برای حیات فرهنگی جوامع داشته است: از یک سو فرهنگ‌های بشری دچار تحول و تغییرات سریع و وسیعی شده‌اند، و از سوی دیگر به دلیل تغییر نظام‌های ارتباطی و تغییر معنای زمان و فضا، شاهد حضور هرچه بیشتر پدیده‌های فرهنگی متعلق به جوامع دور دست در فرهنگ‌های نزدیک و خودی هستیم. در نتیجه این دو تحول که می‌توان مهم‌ترین باز نمود آنها را در مفهوم جهانی شدن دید، شاهد نوعی دیالکتیک دائمی میان امر محلی و امر جهانی هستیم. این موضوع بیش از همه بیانگر اهمیت و اولویت ارتباطات میان فرهنگی برای وضع امروز بشری است. وضعیت بشر در عصر جهانی شدن، موی

شرایطی است که به واسطه فشردگی زمان و فضا، مسئله فرهنگ نقش هرچه بیشتری در شکل‌دهی به سایر عرصه‌های زندگی داشته باشد، لذا کنشگران عرصه‌هایی مانند اقتصاد و سیاست، هرچه بیشتر به اهمیت فرهنگ پی برده‌اند. این مسئله در فضای روابط بین‌المللی که در کنه خود متضمن ارتباط میان فرهنگی در راستای مناسبات و مقتضیات قدرت است، اهمیتی ویژه دارد. بر این اساس روندها و فرآیندهای بین‌المللی به نوبه خود جریان‌های فرهنگی‌ای هستند که از یک‌سو متأثر از شرایط فرهنگی جهان امروز بوده، و از سوی دیگر نقشی کلیدی در ساختن جهان آینده دارند. به همین دلیل جریان‌شناسی فرهنگی در عرصه بین‌المللی ضرورت خاصی می‌یابد.

در راستای شناخت وضعیت امروزی فضای بین‌المللی و نقش جریان‌های فرهنگی در آن، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی اقدام به انتشار اثر حاضر کرده و خلال آن تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ دهد که «جریان‌های فرهنگی موجود در عرصه روابط بین‌الملل کدامند؟» هدف نگارنده از بررسی و پژوهش در مورد روند کنونی نظام بین‌الملل در عرصه فرهنگی از بُعد نظری، دستیابی به نظریه یا الگوی مفهومی خاص متناسب با تحولات فرهنگی بین‌المللی و از بعد عملی، شناخت واقعیت‌های فرهنگی بین‌المللی در نظام بین‌الملل با توجه به پیچیدگی، شفافیت، درهم‌تنیدگی و آسیب‌پذیری تحولات فرهنگی بین‌المللی است. امید است که کتاب حاضر بتواند گامی برای توسعه مطالعات فرهنگی بین‌الملل و جریان‌شناسی فرهنگی برای محققان و دانشجویان رشته‌های مربوط باشد.

مقدمه

روابط فرهنگی بین‌المللی یا ارتباطات فرهنگی بین‌المللی با دو مفهوم «فرهنگ» و «ارتباطات» سروکار دارند که سنگ بنای جوامع انسانی به‌شمار می‌روند. از آغاز خلقت و پیدایش انسان تاکنون، این دو ویژگی همراه جامعه انسانی بوده و وجه تمایز آن از دیگر موجودات، قلمداد می‌شده است. درباره این دو مفهوم، بسیار بحث شده و تعریف‌های زیادی ارائه گردیده است.

برخی از اندیشمندان، فرهنگ را روش زندگی گروهی از مردم دانسته‌اند که از یک نسل به نسل دیگر از طریق آموختن منتقل می‌شود (Weaver, 1996: 1). این تعریف به‌گونه‌ای کلی و اجمالی، حدود و مفهوم فرهنگ را بیان می‌کند. اما چنانچه بخواهیم تعریف دقیق‌تری از این مفهوم با ذکر جزئیات ارائه کنیم، می‌توان گفت، فرهنگ، روش زندگی گروهی از مردم به‌شمار می‌آید، که دربرگیرنده الگوهای رایج تفکر و رفتار شامل: ارزش‌ها، اعتقادات، قواعد رفتار، نظام سیاسی، فعالیت اقتصادی و مانند آن است و از طریق آموختن - و نه از راه توارث زیستی - از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (Kuper, 1985: 178).

شاید جامع‌ترین و مانع‌ترین تعریف از فرهنگ، ویژه‌تایار باشد. وی در سال ۱۸۷۱، در کتاب خود با نام «فرهنگ ابتدایی»، فرهنگ را این‌گونه تعریف کرد: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات،

هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتارها و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو، از جامعه خود فرا می‌گیرد؛ و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را برعهده دارد» (به نقل از: روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۸).

ویژگی مشترک این تعاریف، انتقال و فراگیری فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است، که فرد آن را به‌عنوان عضوی از اجتماع فرا می‌گیرد. به این ترتیب، فرهنگ محصول حیات جمعی و زندگی اجتماعی است، که براساس آن، جامعه انسانی پایه‌ریزی می‌شود، شکل می‌گیرد و در طول زمان و نسل‌ها دستخوش تغییراتی نیز می‌شود. البته فرهنگ در عین ثبات، نوعی دگرگونی و نوآوری درازمدت و آهسته را در خود دارد. از این رو، برخی محققان، فرهنگ را تولید و بازتولید اجتماعی احساس، معنا و آگاهی دانسته‌اند (OSullivan, 1994: 68). اما این تولید و بازتولید، به گونه‌ای است که ثبات و یکپارچگی فرهنگ حفظ می‌شود و نوعی پدیده ثابت در حال تغییر — که همواره نامحسوس می‌نماید — مشاهده می‌شود. به همین دلیل برخی معتقدند، فرهنگ حوزه معنایی است که حوزه‌های تولید (اقتصاد) و روابط اجتماعی (سیاست) را وحدت می‌بخشد (رضی، ۱۳۷۷: ۱۳۸). این دیدگاه، به فرهنگ مفهومی عام و کلی می‌دهد. در این تعریف، فرهنگ معنابخشی زندگی انسان به‌ویژه بخش اجتماعی آن را برعهده دارد و انسان را از اجزای پراکنده و جزئیات متفرق حیات امروزی، به نوعی وحدت می‌رساند.

همه تعاریف مذکور، به گونه‌ای عمومی، دیدگاه‌های گوناگون درباره فرهنگ را ارائه می‌دهند. اما چنانچه بخواهیم به‌طور تخصصی و عملی‌تر فرهنگ را تعریف کنیم، می‌توان گفت، فرهنگ در حوزه دانش، هر آنچه را که از طریق ارتباط متقابل آموخته می‌شود دربرمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۵). در این تعریف، به جنبه ارتباطات نیز توجه شده است. این تعریف، به نوعی همان دیدگاه‌های پیشین، اما با بیانی جدید و علمی‌تر است و توجه را به حوزه ارتباطات معطوف می‌کند.

یکی دیگر از تعریف‌های مناسب برای فرهنگ در مطالعه ارتباطات میان فرهنگی، این گونه بیان شده است: «فرهنگ عبارت است از زندگی و عادات روزمره افراد، که به زندگی اجتماعی تسری پیدا می‌کند» (مولانا، ۱۳۷۱). تعریف دیگری از فرهنگ که مفهومی انسان‌شناسانه را بیان می‌کند، توسط ادوارد هال مطرح شده است. وی در این باره معتقد است: فرهنگ عبارت است از اطلاعات و روش‌های به اشتراک گذاشته شده درباره رمزگذاری، ذخیره‌سازی و بازیابی آن اطلاعات (Moon, 1996: 71).

درباره «ارتباطات» نیز تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. شاید مناسب‌ترین و بهترین تعریف ارائه‌شده از ارتباطات که در ارتباطات میان فرهنگی نیز می‌توان از آن بهره گرفت، تعریف زیر باشد:

«ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط به آنکه دو گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۶۸-۳۷).

این تعریف، به عناصر ارتباط (پیام، فرستنده و گیرنده) و فراگرد بودن ارتباط و معنا در ارتباطات توجه دارد. این ویژگی‌ها، در ارتباطات میان فرهنگی کاربرد بسیاری دارد و لازم است به آن توجه شود.

اکنون باید دید چگونه می‌توان «فرهنگ» و «ارتباطات» را با یکدیگر مورد مطالعه قرار داد و جنبه‌ها یا حوزه‌های مشترک هر دو را بررسی کرد.

همان گونه که برمی‌آید، فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگردند و یک ضرورت انسانی به شمار می‌روند (Prosser, 1978: 336). یعنی، هر دو به نوعی فرایندهایی پویا محسوب می‌شوند و هیچ جامعه انسانی را بدون این دو پدیده نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، آنچه در واقعیت بیرونی و در زندگی اجتماعی انسان مشاهده می‌شود، به صورتی به هم پیوسته و درهم تنیده است. اما برای مطالعه و تحقیق، اجزای فرهنگی و اجزای ارتباطی متفاوت را

می‌توان تجزیه کرد، تا معلوم شود چگونه کنش متقابل در درون و میان فرهنگ‌ها صورت می‌پذیرد.

ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی مهم‌ترین ویژگی ارتباطات میان‌فرهنگی به‌شمار می‌آیند که به‌شکل ارتباطی از طریق عقاید، افکار، تصورات قالبی، اسطوره‌ها، پیش‌فرض‌ها، الگوهای فکر و عادات، انتقال می‌یابند (Prosser, 1978: 341). بنابراین، فرهنگ بدون ارتباطات دوام و بقا نمی‌یابد و ارتباطات بدون فرهنگ از محتوا و پیام بی‌بهره می‌ماند؛ که نتیجه آن نابودی هر دو است. همچنین بحث از تقدم و تأخر فرهنگ بر ارتباطات یا برعکس، همانند بحث از تقدم مرغ بر تخم مرغ یا برعکس است. با وجود این، هابرماس آغاز فرهنگ را ارتباطات می‌داند (به نقل از: مولانا، ۱۳۷۶). در واقع، می‌توان فرهنگ و ارتباطات را به‌گونه‌ای غیرقابل تجزیه، به‌هم پیوسته دانست. این دو از طریق ارتباطات، درون محیط و زمینه فرهنگی ما و در هر زمان که ما به ارتباطات میان‌فرهنگی با طبیعت میان‌فردی یا ارتباطات درون‌فرهنگی با طبیعت جمعی می‌پردازیم، به‌هم پیوسته‌اند. بنابراین، ارتباطات میان‌فرهنگی، زیرمجموعه‌ای از فرهنگ و ارتباطات است (Prosser, 1978: 336). در اینجا این دو حوزه به‌گونه‌ای کامل و ملموس به‌هم می‌پیوندند و حوزه جدیدی را بنا می‌نهند که ضرورت آن در عصر جدید به‌گونه‌ای اساسی احساس می‌شود. ازاین‌رو، درباره اهمیت مطالعه ارتباطات میان‌فرهنگی، می‌توان ادعای داشت که همانند یک دانش میان‌رشته‌ای به ما یاری می‌دهد تا جهان اطرافمان را بشناسیم و به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی به ما کمک می‌کند تا خود را بازشناسیم. همچنین ارتباطات میان‌فرهنگی می‌تواند از طریق تجارت، حکومت، آموزش و مهارت‌های زبانی و تمام حوزه‌هایی که سرانجام به تماس میان‌فردی مربوط می‌شود، به ما کمک کند (Rohrlich, 1987: 127-128). در فضای کنونی نظام بین‌الملل تبادل فرهنگی بین جوامع از اهمیت

شایان توجهی برخوردار است. انواع ارتباطات میان فرهنگی در جهان متحول کنونی را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱. گردشگری؛

۲. مبادلات آموزشی، علمی و همایش ها؛

۳. اقدامات سیاسی دیپلماتیک؛

۴. رسانه ها، فرهنگ مردم و کارهای هنری؛

۵. مهاجرت و پناهندگی؛

۶. سفرها و ملاقات های بازرگانی و مالی؛

۷. ورزش؛

۸. سازمان های مردم نهاد فرهنگی (باهنر، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۰).

روابط و تبادلات بین فرهنگی به ارتباط میان مردمانی اطلاق می شود که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به اندازه ای گوناگون است که می تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال کند، در عین آنکه میان کنش این مردمان و فرهنگ ها نوعی ارتباطات میان فرهنگی نامیده می شود (همایون، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۹). ارتباطات میان فرهنگی از زمانی که انسان هایی با پیشینه ها و فرهنگ های گوناگون به تماس با یکدیگر پرداختند، سایه خود را بر سر آنان گستراند. این گونه ارتباط ابتدا در قالب جنگ ها و لشکرکشی ها، مأموریت های تبلیغی مروجان ادیان گوناگون، سفرهای تجاری بازرگانان ماجراجو و تلاش برای کشف زمین های دیگر صورت می پذیرفت.

ارتباطات میان فرهنگی به عنوان فرایند مبادله اندیشه ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ های مختلف، بین آن دسته از مردم اتفاق می افتد که ادراکات فرهنگی و سیستم های نمادین آنها به اندازه کافی مجزا هستند. در این گونه از ارتباط، بین دو طرف ارتباط هیچ گونه علقه فرهنگی وجود نداشته و یا اینکه طرفین دارای پیوندهای فرهنگی ضعیفی هستند. ارتباطات میان فرهنگی، چه در ابعاد نظری و چه در ابعاد

عملی، در بسترهای خاصی خود را بیشتر نشان داده و دارای مجاری یک‌طرفه و دوطرفه است.

امروزه فرهنگ و روابط فرهنگی در نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای در حیات جمعی بشر برخوردارند؛ به نحوی که دیپلماسی عمومی به معنای کاربرد ابزارهای بین‌فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی در سیاست خارجی به گونه‌ای فراگیر دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی را دربر گرفته است. امروزه فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی وارد عرصه سیاست شده‌اند؛ به گونه‌ای که هم از آن تأثیر می‌گیرند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. تی. اس. الیوت^۱ می‌گوید: «امروزه شاهدیم که فرهنگ توجه مردان سیاست را به خود جلب می‌کند آن هم نه به این دلیل که سیاست‌مداران همیشه مردانی اهل فرهنگ هستند، بلکه از این جهت که فرهنگ، هم به مثابه وسیله‌ای برای اعمال سیاست و هم به مثابه موضوع مطلوب جامعه است» (به نقل از: حقیقی، ۱۳۸۶: ۲۹).

از سوی دیگر، در عصر جهانی شدن و کم‌رنگ شدن مرزها و تحول در تعریف دولت‌ملت و حکومت به معنای سیاسی‌سامنتی آن شاهد پررنگ شدن نقش و جایگاه فرهنگ و مقولات فرهنگی در روابط بین‌المللی هستیم. دولت‌ها در پی آن هستند تا زبان و گفتمان خود را هرچه بیشتر به فرهنگ نزدیک کنند و به آن رنگ و بوی فرهنگی ببندند.

با رشد فناوری‌های ارتباطی و سرعت روزافزون استفاده از آن در جوامع گوناگون، به نظر می‌رسد ارتباطات بین‌فرهنگی در کنار لایه‌های دوگانه ارتباطات بین‌الدولی و ارتباطات بین‌المللی نقش آفرین شده است. در این رهگذر، مدیریت آینده تحولات و ارتباطات فرهنگی نیازمند نظام جامع دیده‌بانی تغییرات فرهنگی در روابط بین‌الملل و ترسیم فضای حاکم بر آینده روابط فرهنگی در نظام بین‌الملل است. مدیریت آینده می‌تواند

پلی میان دو حوزه مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی برقرار کند و زمینه‌ساز تحقق «نظام جامع دیده‌بانی ارتباطات فرهنگی در روابط بین‌الملل» شود. از سوی دیگر، نکته حائز اهمیت در مورد فرهنگ‌های مختلف در نظام بین‌الملل این است که وجود فرهنگ‌های متنوع به صورت روزافزون بر اهمیت تنوع و کثرت‌گرایی فرهنگی می‌افزاید و هم‌افزایی فرهنگ‌ها برای ساختن جهانی بهتر از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ضامن بقای خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های متنوع موجود باشد. «هم‌افزایی فرهنگی»^۱ نوعی مدیریت تأثیرات تنوع فرهنگی است که با تأکید بر فرهنگ کلیه اعضای جامعه به دست آمده و از تنوع و تفاوت‌های فرهنگی همچون عاملی مهم و کلیدی در مدیریت جامعه و فرهنگ‌ها بهره می‌برد. برخورد با فرهنگ‌های متنوع، اغلب هم‌افزایی فرهنگی نادیده گرفته می‌شود و مدیران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ تنها بر شباهت‌ها و نقاط مشترک فرهنگ‌ها تأکید کرده و تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی موجود را نادیده می‌گیرند، درحالی‌که تفاوت‌های فرهنگی نیز به میزان نقاط مشترک فرهنگ‌ها دارای اهمیت هستند. هم‌افزایی فرهنگ‌ها در فضای تنوع فرهنگی و همکاری و تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها متولد می‌شود. هم‌افزایی فرهنگ‌ها مدلی از همکاری فرهنگ‌ها است که نتیجه و غنای ناشی از آن، به دستاوردی بیش از جمع جبری مزیت‌های نسبی هریک از فرهنگ‌های در حال تعامل منتهی شود. به تعبیری دیگر، هم‌افزایی فرهنگ‌ها علاوه بر استفاده از مزیت‌های تبادل و همکاری فرهنگ‌ها، زایش مزیت‌های دیگری را نیز نوید می‌دهد که از جمع مزیت نسبی‌ها، کارویژه‌ها و دستاوردهای هر کدام از فرهنگ‌ها فراتر است (رشیدپور، ۱۳۹۰: ۵۱).

بر این اساس، با توجه به اهمیت شناخت روند کنش‌ها و واکنش‌ها در عرصه بین‌المللی با هدف آینده‌پژوهی فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی

نظام فرهنگی بین‌المللی، شایسته است به مفهوم‌شناسی دو واژه «روند» و «رویداد» مبادرت شود.

«روند»^۱ عبارت است از تغییرات منظم و یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی: تغییرات مذکور ممکن است به شکل کیفی یا کمی باشد. در کنار این مفهوم باید به مفهوم «رویداد» نیز اشاره کرد که برخلاف روند، حاصل اتفاق یا حادثه است و به شدت بر روندها و به‌طور کلی بر آینده روابط فرهنگی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. بنابراین «روند» اشاره به پیوستگی تاریخی و زمانی دارد و «رویداد» بر گسستگی‌های تاریخی تأکید می‌کند.

افزون بر این، شایسته است به مفهوم «تحلیل روند»^۲ نیز اشاره شود که به معنای مطالعه یک روند مشخص به منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن است. تحلیل روندها باید بسیار دقیق باشد، زیرا یک روند مشخص می‌تواند تأثیرهای بسیار متفاوتی بر ابعاد گوناگون تحولات در درازمدت داشته باشد که شاید بسیاری از این تأثیرات در نگاه نخست قابل کشف نباشد.

آنچه در «تحلیل روند» مهم جلوه می‌کند، بهره‌گیری از ابزارها و فوونی همچون دیده‌بانی یا پایش روندها^۳، پیرویابی روند، رصد منابع اطلاعات^۴، شناسایی پیشران‌ها^۵ و شناسایی رویدادهایی است که به‌رغم احتمال ناچیز وقوع، اثر بسیار شدیدی باقی می‌گذارند.

درباره جریان‌شناسی روندهای فرهنگی در نظام بین‌الملل گرچه کتاب‌ها و مقالات علمی اندکی نوشته شده است، لیکن شایسته است مروری علمی و اجمالی بر ادبیات تحقیق هرچند اندک موجود در این زمینه صورت پذیرد.

1. Trend
2. Trend Analysis
3. Trend Monitoring
4. Scanning
5. Driving Forces

کتاب «جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها» به قلم عبدالحسین خسروپناه، جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی (ص) همچون: تصوف فرقه‌ای، معنویت‌های نوظهور، شیطان‌پرستی، وهابیت، فمینیسم، ابتذال فرهنگی، فراماسونری، ناسیونالیسم و موسیقی‌گرایی را تبیین و تحلیل کرده است؛ و ضمن ارائه نقدها و بیان آسیب‌های جریان‌های پیش‌گفته، اقدامی درخور توجه برای کشف جریان اصیل اسلامی و آگاه‌سازی عموم مردم به‌ویژه نخبگان فرهنگی نسبت به ضدفرهنگ‌های رایج در کشور انجام داده است (خسروپناه، ۱۳۸۹). با این حال، این اثر ارزشمند به جریان‌شناسی فرهنگی در عرصه داخلی اهتمام ویژه‌ای دارد و کمتر به روند پژوهی فرهنگی بین‌المللی مبادرت ورزیده است.

کتاب «جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب»، نوشته سید مصطفی میرسلیم نیز گزارشی پژوهشی درباره جریان‌های فکری-فرهنگی موجود در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. این کتاب به تفصیل به اختلاف‌نظرهای فکری و فرهنگی پدیدآمده در سال‌های پس از انقلاب پرداخته است. نخستین جریان‌های فکری-فرهنگی در آغاز انقلاب اسلامی، جریان‌شناسی فکری-فرهنگی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ (پایان جنگ)، جریان‌شناسی فکری-فرهنگی دوران پس از جنگ تحمیلی و چالش‌های فکری-فرهنگی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ از موضوعات اصلی و مورد بررسی در این کتاب است (میرسلیم، ۱۳۸۴). با وجود این، اثر یادشده با رویکردی داخلی نوشته شده و جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی را مورد توجه و بررسی قرار نداده است.

«جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران»، نوشته رمضان شعبانی سارویی، درصدد است با تحلیل جریان‌های سیاسی-فرهنگی ایران در سده گذشته، به‌ویژه عصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با مدل‌سازی جریان‌های سیاسی-فرهنگی، به بررسی و تبیین جریان‌های ایران پس‌انقلاب بپردازد. از این

نظر نویسنده، کتاب را در سه فصل شامل: فصل اول کلیات، فصل دوم جریان‌شناسی قبل از انقلاب اسلامی و فصل سوم جریان‌شناسی بعد از انقلاب اسلامی سازماندهی کرده است. با این حال، اثر مزبور بر جریان‌های فرهنگی ایران تمرکز کرده است و به جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی نپرداخته است.

کتاب «جهانی‌شدن: نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی»^۱ نوشته رونالد رابرتسون^۲ با تأکید بر روندهای بین‌المللی در عصر جهانی‌شدن به موضوعاتی از قبیل: شرایط نوین جهانی، نقاط عطف فرهنگی بین‌المللی، فرهنگ و نظریه‌های مربوط به نظام جهانی و نظم جهانی، موضوع عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، تحلیل تمدنی از نظریه جهانی‌شدن و ارائه چشم‌اندازی از عواید جهانی‌شدن می‌پردازد. این کتاب کلیاتی از روندهای بین‌المللی را بازمی‌تاباند، لیکن به جریان‌های فکری و فرهنگی بین‌المللی کمتر توجه کرده است.

کتاب «جهانی‌شدن دنیای سیاست»^۳ نوشته استیو اسمیت^۴ و همکاران با رویکردی سیاسی به تحولات بین‌المللی به‌ویژه جهانی‌شدن می‌پردازد. این کتاب به موضوعاتی از قبیل جهانی‌شدن و سیاست جهانی، تحولات جامعه بین‌المللی، مکاتب عمده نظری در عرصه سیاست بین‌الملل از جمله واقع‌گرایی، لیبرالیسم، نئولیبرالیسم، سازه‌نگاری اجتماعی، پسااستعمارگرایی، پسااستعمارگرایی و اخلاق جهانی می‌پردازد. همچنین موضوعاتی از قبیل: نقش جنسیت در سیاست جهانی، حقوق بین‌الملل، رژیم‌های بین‌المللی، بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی، موضوعات زیست‌محیطی، تروریسم و جهانی‌شدن، ملی‌گرایی در روابط بین‌الملل، فرهنگ در امور جهانی، منطقه‌گرایی در امور بین‌الملل و جهانی‌شدن و

1. Globalization: Social Theory and Global Culture

2. Ronald Robertson

3. The Globalization of World Politics

4. Steve Smith

نظم پساچنگ سرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب ضمن برخورداری از رویکردی نظری به فرایندهای بین‌المللی بیشتر به مباحث سیاسی و امنیتی در روندهای جهانی توجه دارد و فرهنگ و روندهای فکری و فرهنگی را تابعی از سیاست جهانی قلمداد می‌کند. در عین حال این کتاب چشم‌اندازی نظری ارائه می‌دهد که می‌تواند برای مباحث مربوط به شناخت روندهای فرهنگی بین‌المللی مفید و قابل بهره‌برداری باشد.

با توجه به مرور مختصر ادبیات پیشین، رویکرد کتاب حاضر، رویکردی آینده‌پژوه به روندهای فرهنگی بین‌المللی است؛ به عبارت دیگر، نگارنده به دنبال بررسی و تبیین جریان‌های فرهنگی در آینده نظام بین‌الملل است. نگارنده بر این اعتقاد است که روندهای فرهنگی در جهان از برآیند نیروهای متخالف در حال شکل‌گیری است. به عنوان مثال، جهان‌گرایی در برابر ملی‌گرایی که به پررنگ شدن نقش منطقه‌گرایی می‌انجامد و همچنین واگرایی در برابر هم‌گرایی که به واهم‌گرایی یا جهان‌مبتنی‌بر رقابت‌همکاری می‌انجامد. همچنین تقابل عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی و جهان‌شمول‌گرایی در برابر محلی‌گرایی به نظریه هم‌افزایی فرهنگی می‌انجامد. افزون‌بر این، جهانی‌شدن از بالا و جهانی‌شدن از پایین به ارتقای نقش و جایگاه مناطق در نظام بین‌الملل در عین اهتمام به ارزش‌های جهان‌شمول بشری می‌انجامد. در تخالف بین نظام تک‌قطبی یا ثبات‌مبتنی‌بر سیطره، و نظام چندقطبی، نظام تک‌چندقطبی یا رویکرد چندوجهی نیز شکل می‌گیرد. همچنین در تقابل میان ساختار و کارگزار، پیوند میان این دو براساس نظریه سازه‌انگاری شکل می‌گیرد و این تعامل به یک رویکرد افقی در تعامل بازیگران روابط بین‌الملل با اهتمام به پیوند ساختارها و فرایندها می‌انجامد.

هدف نگارنده از بررسی و پژوهش در مورد روند کنونی نظام بین‌الملل در عرصه فرهنگی از بُعد نظری، دستیابی به نظریه یا الگوی مفهومی

خاص متناسب با تحولات فرهنگی بین‌المللی و از بعد عملی، شناخت واقعیت‌های فرهنگی بین‌المللی در نظام بین‌الملل با توجه به پیچیدگی، شفافیت، درهم‌تیدگی و آسیب‌پذیری تحولات فرهنگی بین‌المللی است. با عنایت به ضرورت تجزیه و تحلیل روندها و فرایندهای بین‌المللی و تبیین سازوکارهای ارتباطات میان فرهنگی در نظام بین‌الملل، اثر حاضر در صدد است که از رهگذر بررسی جریان‌های عمده در روابط فرهنگی بین‌المللی معاصر، عناصر و معیارهای تحلیلی را در اختیار محققان و دانش‌پژوهان سیاست‌گذاری فرهنگی قرار دهد. محتوای کتاب به گونه‌ای طراحی شده است تا این به پرسش اصلی که «جریان‌های فرهنگی موجود در عرصه روابط بین‌الملل کدامند؟» پاسخ دهد. بر این اساس کتاب حاضر در ۸ گفتار تنظیم شده است. گفتار نخست با ارائه بحثی نظری در مورد روندهای فرهنگی بین‌المللی و همچنین تأثیر جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی بر این روندها، به تجزیه و تحلیل محیط بین‌الملل از منظر فرهنگی-اجتماعی می‌پردازد. در گفتار دوم، تحولات دیپلماسی فرهنگی در عصر جهانی‌شدن از نظر کارکرد، بازیگران و ابزارها و در گفتار سوم، سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی و توسعه فرهنگ صلح مورد واکاوی قرار می‌گیرد. اسلام‌گرایی و اسلام‌هراسی در روابط فرهنگی بین‌المللی عنوان بحث دیگری است که در گفتار چهارم به آن پرداخته می‌شود. در گفتار پنجم، بیداری معاصر در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. گفتار ششم با رویکردی میان‌فرهنگی و بین‌دینی، به بررسی گفت‌وگوهای بین‌الادیانی و بیداری دینی و گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی در جهان معاصر می‌پردازد. چندفرهنگی‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی فرهنگی در جهان امروز به عنوان دو روند متخالف در روابط فرهنگی بین‌المللی، در گفتار هفتم مورد توجه قرار می‌گیرد و در گفتار هشتم، سناریوی هرج و مرج و

بالاترین جبهه‌های جهانی و سناریوی نظام بین‌الملل چندوجهی با عنوان آینده‌پژوهی روندهای فرهنگی بین‌المللی تبیین می‌شود.

کتاب حاضر ضمن مروری اجمالی بر جریان‌های فکری و فرهنگی بین‌المللی معاصر، تلاش دارد تا شمایی کلی و چشم‌اندازی کلان را از روندهای جهانی فراوری جامعه دانشگاهی و پژوهشگران کشور قرار دهد. از این رو عنوان اثر، «درآمدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی معاصر» نام‌گذاری شده است.

امید است که اثر حاضر که حاصل ماه‌ها پژوهش و مبتنی بر تجربیات فرهنگی محقق در عرصه بین‌المللی بوده است، مورد بهره‌برداری نهادهای علمی و پژوهشی کشور قرار گیرد. در ضمن بر خود لازم می‌دانم از تلاش‌های برادر ارجمند جناب آقای محمدصادق بیگلری در زمینه تنقیح و تهذیب مباحث این اثر و زحمات سرکار خانم الهام خوشدونی فراهانی که اینجانب را در گردآوری مباحث و تأیید این کتاب یاری فراوان کردند صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی نمایم.

و من الله توفیق

محمد رضا دهشیری

عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل